

اعتراض‌های مردمی یا درخواست‌های مردمی، در این کشور همیشه بوده، الان هم هست. [ما خبرهایش را داریم؛ خبرها غالباً به ما می‌رسد-اجتماع می‌کنند در فلان شهر مقابل فلان مؤسسه، مقابل استانداری، مقابل مجلس شورای این‌جا از این چیزها هست؛ همیشه بوده و هست، هیچ‌کس هم با اینها معارضه و مخالفتی ندارد؛ باید هم به این حرف‌ها رسید، باید گوش کرد، باید شنید، باید در حدّ وسیع و توان به آنها پاسخ داد. البته اگر میان درخواست‌ها اگر ده درخواست هست، ممکن است دو درخواست نابه‌جا باشد؛ اما آنهايي که به‌جا است، آنهايي که درست است، آنها را باید همه‌ما دنبال کنیم. مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۶/۱۰/۱۹

## #پرونده-ویژه

# مغایر با قانون

بررسی موانع اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی در راستای حق برگزاری تجمعات و همچنین پیامدهای ناشی از آن



همچنین در این شماره می‌خوانیم :

حقیقت سرد « روایت تحلیلی بحران انرژی در اروپا به عنوان یکی از پیامدهای جنگ اوکراین و روسیه

حکم ذلت « یادداشتی پیرامون کاپیتولاسیون، با بررسی ریشه‌های افشاگری امام خمینی (ره) علیه پذیرش آن؛ به مناسبت چهارم آبان ماه

## مغایر با قانون

بررسی موانع اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی در راستای حق برگزاری تجمعات و همچنین پیامد های ناشی از آن

■ مینا واثق عباسی

«مردم باید در چهارچوب قانونی اعتراض کنند». این جمله‌ای است که در کشور ما به اعتراضات پیوند خورده و تیکه کلام تمام مسئولان شده است. اما سوال اینجاست که چهارچوب اعتراض قانونی در کشور دقیقاً چیست؟ و آیا اصلاً سازوکاری برای اعتراض مردم در مسیر قانونی وجود دارد یا خیر؟

در طی سال‌های اخیر و با گسترده شدن تحریم‌ها، مشکلات اقتصادی و معیشتی و همچنین بروز نارضایتی‌ها در برخی از زمینه‌ها، مسئله شکل‌گیری تجمعات اعتراضی در کشور بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. حق آزادی تجمعات، راهپیمایی‌ها و تظاهرات مسالمت‌آمیز از اساسی‌ترین حقوق فردی است که به صورت جمعی انجام می‌شود و از مهم‌ترین نمودهای جوامع مردم سالاری به شمار می‌رود. به عبارتی حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز، در واقع حقی است برای مردم که به وسیله آن مطالبات خود را به گوش مسئولین برسانند و در همین راستا مسئولان نیز باید بر اساس عمومیت آن خواسته‌ها در جهت برآورده ساختن آن مطالبات و ایجاد رضایت در سطح عامه مردم اقدام کنند؛ حال این مهم تحقق نمی‌یابد مگر با برنامه‌ریزی و اقدام جهت فراهم ساختن زمینه اعتراض مسالمت‌آمیز مردم و ایجاد بستر مناسب برای بیان مطالبات. اهمیت این موضوع به حدی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بدان اشاره شده است؛ مطابق با اصل ۲۷ قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. با این وجود متأسفانه، تحقق این اصل، همواره دچار محدودیت‌های ساختاری و بروکراتیک و همچنین محدودیت‌های قانونی شده است. چرا که تفسیر بسیاری از نهادها از اصل یاد شده

اینگونه بوده است که برپایی آزاد تجمعات و اعتراضات اما و اگرهایی دارد. اما و اگرهایی که حالا به واسطه برخی آیین‌نامه‌ها و قوانین عادی، اجرای یکی از اصول قانون اساسی را تقریباً مختل کرده است. بر مبنای تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است. همچنین بر اساس ماده ۳۰ آیین‌نامه این قانون «این تقاضا باید یک هفته پیش از برگزاری اعتراض یا تجمع کتباً و حضوری توسط نماینده رسمی به وزارت کشور تسلیم شود». این قیود در حالی به مرور زمان و با برخی بهانه‌جویی‌ها بر اصل ۲۷ تحمیل شده‌اند که خود این اصل، قیدهای مورد نظر خبرگان ملت را اعمال کرده است؛ همانطور که گفته شد از منظر قانون‌گذار اگر دو شرط عدم حمل سلاح و مخل به مبانی اسلام نبودن در هر تجمعی رعایت شود آن تجمع قانونی است و اخذ مجوز پیشینی برای برگزاری تجمعات به هیچ وجه مدنظر نبوده است. در همین زمینه شهید بهشتی در پاسخ به یکی از اعضا که پیشنهاد اضافه کردن عبارت «با اجازه قبلی» به اصل ۲۷ را داد، بیان کردند: «این درست بر خلاف چیزی است که مد نظر بود». این بیان شهید بهشتی که: «نباید طوری بنویسیم که بتوانند در اصلش مداخله کنند، بلکه باید در نظمش دخالت داشته باشند» نشانگر نگرانی عمیقی بود که احساس می‌شد در صورت اضافه کردن قیود مختلف، امکان به انحراف کشیده شدن اصل برگزاری تجمعات توسط دولت‌ها را تشدید نماید.

بنابراین مشروط نمودن برگزاری تجمعات به داشتن مجوز، دقیقاً همان موضوعی است که تدوین‌کنندگان قانون اساسی با آن مخالف بوده‌اند اما مشخص نیست تبصره‌های مغایر با قانون اساسی چگونه در قانون فعالیت احزاب گنجانده شده است! علاوه بر اینها با توجه به اینکه تنها قانون در این حوزه، قانون نحوه فعالیت احزاب، صرفاً به نحوه درخواست برگزاری تجمعات از سوی تشکل‌ها و احزاب ثبت شده و شیوه رسیدگی به این درخواست‌ها در وزارت کشور و استانداری‌ها پرداخته شده است لذا برای درخواست افراد حقیقی هیچگونه محمل قانونی پیش‌بینی نشده است.

به عبارتی در این مقررات قانونی حق برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها توسط مردم و خارج از مکانیسم احزاب و گروه‌های سیاسی به رسمیت شناخته نشده است که این امر نیز نقص بزرگی را در مسیر اجرای کامل اصل ۲۷ قانون اساسی ایجاد کرده است.

در پایان می‌توان گفت که عدم تحقق این اصل از قانون اساسی آسیب‌های فراوانی را به دنبال دارد. اگر مسیر اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم مسدود شود، امکان شکل‌گیری تجمعات خشونت‌آمیز که کمینت عمومی را بر هم می‌زند فراهم می‌شود. این مورد می‌تواند باعث آسیب دیدن منافع ملی و منافع شخصی و فردی مردم شود. با این حساب می‌توان پیشبینی کرد اغتشاش و ناامنی بیشتر شده و سودجویی عده‌ای نتیجه بخش واقع گردد. نکته مهم دیگر در مورد آسیب‌های عدم تحقق اصل ۲۷ قانون اساسی، سواستفاده دشمن است. وقتی بستری قانونی برای تجمع مردم و اعتراض به مسئله‌ای کم‌مورد نظر آنهاست از آن‌غمی‌شود، خط‌دهی اعتراضات مردم و هدایت آنها به حرکات و سردادن شعارهایی خلاف منافع ملی کشور، از سمت رسانه‌های معاند نظام و دولت‌های حامی این رسانه‌ها ربه دنبال دارد. کم‌اینکه در مقاطع مختلف که مردم اعتراضاتی داشتند، شاهد موج‌سواری رسانه‌ها و جریان‌های ضدانقلاب



بهبتری برای مشارکت سیاسی مردم در امور مختلف، درک مسئولان از نواقص و بالا رفتن آگاهی سیاسی که از اهداف انقلاب اسلامی به شمار می رفت، فراهم کند.

موجب اجرای محدود و سلیقه‌ای این اصل شده‌اند، چراکه به وجود آوردن بسترهای مناسب برای اعتراض که برگزاری تجمعات، عینی‌ترین الگوی آن است، می‌تواند شرایط

از اعتراض به حق مردم بودیم. حال به نظر می‌رسد اولین گام برای تحقق بستری مناسب جهت اجرای عادلانه اصل ۲۷ قانون اساسی اصلاح قوانین عادی باشد که

## حقیقت سرد

روایت تحلیلی بحران انرژی در اروپا به عنوان یکی از پیامدهای جنگ اوکراین و روسیه

■ صبا پویان

اما اروپایی‌ها و چند قدرت دیگر از جمله چین و روسیه که از نظر اقتصادی پیشرفت کرده و قدرت گرفته بودند به تدریج به حاشیه رانده شده و از این وضع ناراضی شدند. در هر صورت برای بقای این نظم تک قطبی، آمریکا به ناچار باید حربه‌های مختلفی را به منظور ضعف اروپا و سایر قدرت‌های مستقل به کار می‌برد. یکی از آنها ماجرای برگزیت بود که به موجب آن انگلستان رسماً از بازار واحد، اتحادیه گمرکی و بقیه ساختارهای اقتصادی اتحادیه اروپا خارج شد. مورد دیگر اطلاع آمریکا از نیاز مبرم اروپا به نفت روسیه بود بنابراین برای کنترل و تضعیف روسیه و اتحادیه اروپا، اوکراین را برای پیوستن به ناتو تحریک کرد تا هر دو طرف نسبت به یکدیگر بدگمان شده و شاهد تنش‌های فرسایشی باشند؛ از جمله پیامدهای این تنش، تحریم روسیه و کاهش واردات گاز از این کشور به ۶۶ درصد و در مقابل اعلام هوشمندانه روسیه مبنی بر عدم صادر کردن گاز به اروپا بود. بنا بر باور کاخ نشینان واشینگتن دی.سی نیز،

همچنین از دهه ۱۹۹۰ با توجه به اینکه دستمزد خانوارهای کم درآمد رشد بسیار کمی داشته و قدرت خرید مردم روز به روز شیب کاهشی را طی کرده‌است، شکاف اجتماعی و دوقطبی شدن اروپا دور از انتظار نیست؛ چرا که تاوان خودکامگی اروپا و بقای نظم تک‌قطبی جهان با هدایت آمریکا چیزی جز چنین پیامدهایی نیست. حال بپردازیم به پیشینه تاریخی این ماجرا که اکنون این اختلال بزرگ را به ارمان آورده است. پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال استقرار نظمی دو قطبی در جهان، آمریکا برای جلوگیری از پیوستن کشورهای دنیا به جریان کمونیست، سعی کرد تا با انواع روش‌ها از جمله صنعتی کردن کشورهای اروپایی، به آن‌ها قدرت و مقام ببخشد. در همین بین کشورهای جهان از جمله روسیه و چین به منظور دستیابی به قدرت مستقل‌تر شده و برای آن تلاش می‌کردند؛ ولی وقتی اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید، آمریکا سودای کدخدایی جهان تک‌قطبی را در ذهن پروراند.

پس از جنگ اوکراین و روسیه و رخ دادن تحولاتی گوناگون مانند عملکرد دست‌های پشت پرده‌ای همچون اتحادیه اروپا و خصوصاً آمریکا که هدفی جز فرسایشی کردن جنگ و اصرار برای پایداری نظم تک‌قطبی در جهان رانداشت، حالا اروپای همراه و هم‌فکر با آمریکا، چالشی نگران‌کننده و اساسی را پیش چشمان خود می‌بیند؛ وضعیت اسفناک انرژی و به دنبال آن مشکلات اقتصادی گوناگون در آلمان، فرانسه و سایر کشورهای عضو اتحادیه، افزایش بی‌رویه قیمت انرژی، مواد اولیه و هزینه‌های زندگی به یکی از تاثیرگذارترین عوامل بالارفتن نرخ تورم و در نتیجه کاهش ارزش یورو تبدیل شده‌است. مردم این جوامع نیز با دستور دولت‌مردان خود مجبور به صرفه‌جویی و کاهش مصرف انرژی شده‌اند بنابراین تولید کالا کم شده و چرخ اقتصاد با اختلالات جدی مواجه خواهد شد چرا که بیکاری و به دنبال آن مسائل اجتماعی نیز به زودی دامن کشورهای اروپایی در زمستان را می‌گیرد.



آمریکا تاکنون به تنها و مهم‌ترین هدف خود دست پیدا کرده است، چرا که با تحریک اوکراین برای پیوستن به ناتو، هم اتحادیه اروپا و هم روسیه را جهت سلطه هژمونیک خود تضعیف ساخته است. از مفاد دیگر تضعیف روسیه می‌توان به تحریم آن توسط آمریکا و اروپا اشاره کرد اما در این بین روسیه نیز بیکار ننشسته و اقدامات موثری جهت دور زدن این تحریم‌ها انجام داده است؛ بر اساس شواهد، این ابزار تاکنون رفتار اروپا را به خوبی کنترل کرده است. چراکه برای جایگزینی گاز اروپا، منابع قطر و دریای خزر، ونزوئلا و خصوصاً عربستان تا به حال یا اجازه صادرات رانداشته و یا توان آن را نداشتند و اگر هم اروپا از کانادا و یا قطر نفت و گاز خریداری کند، اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه به شدت از انفجار ناشی از افزایش قیمت انرژی ضربه

باید گفت یکی از برندگان این ماجرا به طور حتم آمریکا و اتاق‌های فکری آن هستند؛ چرا که شرکت‌های آمریکایی از فروش گاز مایع چیزی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار سود می‌برند و همچنین به صادرات کلیدی روسیه آسیبی جدی وارد کرده‌اند.

حالا اما اروپا با اعتراضات گسترده‌ای رو به روشده است که روز به روز بر شدت آن افزوده می‌شود؛ شهروندان اروپایی خواستار از بین رفتن سرسپردگی به آمریکا و خروج از ائتلاف با آن برای تضمین امنیت و رفاه خود هستند، زیرا امروز توان سیاست‌های دولت‌هایشان را با از دست دادن معاش، گرمای خانه و آینده فرزندان خود می‌دهند؛ مشکلاتی که برون رفت از آن تنها در گرو ایجاد استقلال در تصمیم‌گیری سران اروپا است.

می‌بیند. علاوه بر آن، هرچند ایران به عنوان دارنده مقادیر زیادی از نفت و گاز در خاورمیانه و جهان رتبه بالایی دارد اما بر اساس اطلاعات موجود، ایران در شرایط فعلی امکان صادرات انرژی گاز را ندارد. مگر با سرمایه‌گذاری وسیع در زمینه بازسازی و افزایش ظرفیت‌های پارس جنوبی که البته آن هم در گرو لغو تحریم‌هاست. با این حساب به این سرعت نمی‌توان به تامین گاز اروپا از طرف ایران فکر کرد. بنابراین یافتن یک عنصر جایگزین فرآیندی بلندمدت و نیازمند زمانی طولانی است. حال آنکه آلمان سعی دارد تا تمام ظرفیت نیروگاه‌های هسته‌ای خود را به کار گرفته و همچنین فرانسه نیز تلاش دارد، بدیل انرژی روسیه را برای خود پیدا کند.

## حکم دلت

یادداشتی پیرامون کاپیتولاسیون، با بررسی ریشه‌های افشاگری امام خمینی (ره) علیه پذیرش آن؛ به مناسبت چهارم آبان ماه حسنا حاجی باشی

شده در ایران و در این قرن می‌باشد. امام خمینی در این سخنرانی با کمال قدرت و به‌طور مستقیم، شاه و آمریکا را به دلیل تلاش برای نابود کردن یکپارچگی و استقلال ایران مورد حمله قرار داد. در انتها، تصویب و اجرای کاپیتولاسیون نه تنها به منزله تحقیر ارزش‌های ملی، فرهنگی و مذهبی یک کشور، بلکه بیانگر نهایت وابستگی رژیم پهلوی در برابر استعمارگران به خصوص آمریکا و حتی تلاش علیه منافع ملی و نافی استقلال کشور و در یک کلام اعلام مرگ تاریخی فرهنگ و مذهب ایرانیان به جامعه جهانی بود. از این روست که می‌بینیم امام خمینی (ره) در برابر چنین موضوعی سکوت نکرده و تمام قد می‌ایستند. دوری حدود پانزده ساله از وطن، ثمره ایستادگی و کوتاه نیامدن از آرمان و اهداف یک ملت در برابر استبداد و (استکبار بود، بنابراین، مخالفت آشکار امام خمینی (ره) با کاپیتولاسیون، ماهیت رژیم پهلوی، آمریکا و طرح‌های این کشور را برای از بین بردن استقلال ایران، بیش از پیش روشن ساخت و در سقوط حکومت پهلوی بیش از دیگر حوادث، تاثیر گذاشت.

برخلاف ظاهر، حقیقت آن تضعیف و مقابله با هویت دینی جامعه ایران بود و به نوعی با قاعده فقهی نفی سبیل هم تعارض داشت. امام خمینی که از حضور مستشاران نظامی و امنیتی آمریکایی در ایران آگاهی داشت و از تصویب کاپیتولاسیون نیز اطلاع یافته بود تصمیم گرفت تا این توطئه ننگین را افشا کند، از این رو در حالیکه رژیم می‌کوشید تا با برگزاری جشن چهارم آبان ۱۳۴۳ مصادف با تولد شاه مسئله کاپیتولاسیون را به فراموشی بسپارد، امام سخنرانی خود را در همان روز، ایراد کرد. ایشان این سخنرانی را ابتدا با انا لله و انا الیه راجعون شروع کرده و روز پذیرش کاپیتولاسیون را روز عزای ملت نامگذاری کردند و دولت و مجلسیان ایران را نوکران آمریکا نامیدند و قدرت‌های شرق و غرب را محکوم کردند و نسبت به سوءاستفاده‌های ناشی از این لایحه هشدار دادند امام خمینی از پذیرش کاپیتولاسیون به‌عنوان امضای سند بردگی ایرانیان یاد کردند، به گونه‌ای که جیمز بیل، محقق آمریکایی، در مورد این سخنرانی چنین می‌گوید: «این سخنرانی پرشور ایشان، یکی از مهم‌ترین و تحریک‌کننده‌ترین بیانات سیاسی ایراد

یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌های حکومت پهلوی پس از قیام ۱۵ خرداد، تصویب لایحه کاپیتولاسیون بود. این لایحه پیشنهادی آمریکاییان، کادر کابینه و دو مجلس ایران به تصویب رسیده بود، دارای دو ایراد اساسی بود که موج مخالفت مردم به ویژه گروه‌های مذهبی که هنوز خرداد ۱۵ خرداد را فراموش نکرده بودند، در پی داشت: نخست اینکه این لایحه تنها شامل مستشاران نظامی و دیپلمات‌ها نبود و خانواده‌های آنها را نیز شامل می‌شد مورد دیگر این بود که قرار دادهایی مانند این لایحه معمولاً مفاد مشابهی داشتند و حق قضاوت در مورد نظامیان آمریکایی را که در کشور دیگری مرتکب جرم شده بودند، منوط به همکاری و توافق طرفین و به استناد قوانین معمول هر دو کشور کرده بود. به عبارتی اگر آمریکا مایل به رسیدگی به جرم اتیاع خود نبود، کشوری که جرم در آن روی داده بود می‌توانست مطابق قوانین خود به آن رسیدگی کند، اما قانونی که به ما تحمیل شده بود، چنین اختیاری را به ایران ندهد بود؛ از این رو از لحاظ یک‌طرفه بودن و نقض استقلال و حاکمیت سیاسی و قضایی ایران منحصر به فرد بود. بنابراین علت مخالفت امام با این لایحه نیز همین بود که